



# استادان تحریف

«يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا» آنان کلام را از جایگاه اصلی خود منحرف می‌کنند.<sup>۱</sup>

تفسیر عینی این آیه را می‌توان در بندهای پروتکل دانش‌وران صهیون به خوبی مشاهده کرد: «اگر اکسیژن اکسیری است برای ادامه حیات هر آفریده‌ای، کلمه نیز اکسیر ادامه حیات فرهنگی انسان‌هاست. ادبیات قوی‌ترین کانال آموزشی و تبلیغاتی است؛ پس باید در چنگ ما باشد.»<sup>۲</sup>

اهمیت و جایگاه دایرةالمعارف‌ها در عرصه علمی و فرهنگی بر کسی پوشیده نیست. صهیونیسم با در نظر داشتن این مهم ده‌ها تن از مأموران و پیروان خود را برای نفوذ در این عرصه مأمور کرده، تا جایی که امروزه به ندرت دایرةالمعارف‌ی را می‌توان یافت که از آن بوی صهیونیسم به مشام نرسد. جای تعجب نیست که اغلب دایرةالمعارف‌های موجود با این‌که اطلاعات خود را در همه زمینه‌ها به شیوه‌ای علمی و موضوعی ارائه می‌کنند، درباره اسلام و مسلمانان به طور غیر مستند و تحریف شده سخن می‌گویند. دکتر کامل العلسی در گفت و گو با نشریه الدستور چاپ اردن در این باره می‌گوید: نگاهی شتابزده به دایرةالمعارف انگلیسی بریتانیا، دایرةالمعارف آمریکایی مایر، دایرةالمعارف فرانسوی لاروس و دایرةالمعارف آلمان این واقعیت را آشکار می‌کند که چگونه این کتاب‌ها دیدگاه‌های صهیونیستی را اساس کار خود قرار داده و از آن دفاع می‌کنند. هر قدر صفحات این دایرةالمعارف‌ها ورق بخورد، نامی از فلسطین دیده نخواهد شد. اسرائیل نامی است که جایگزین فلسطین شده است. در این کتاب‌ها ادعا شده که نه در تاریخ و نه در قوانین بین‌الملل، هیچ‌گاه کشوری به نام فلسطین وجود نداشته است. این دایرةالمعارف‌ها حکومت داوود (ع) و سلیمان (ع) را آغاز تاریخ بیت المقدس معرفی کرده‌اند. این در حالی است که قدس کنعانی پیش از دوران داوود (ع) و سلیمان (ع) و حداقل دو هزار سال قبل سابقه داشته است. دکتر العلسی در ادامه اشاره می‌کند که فصل

## اشاره

انکار سیطره صهیونیسم بر رسانه‌های جهان، هم‌چون انکار آفتاب نیم روز است. صهیونیست‌ها با بهره‌گیری از این ابزار خطرناک، توطئه‌های سنگین خود را علیه اسلام و مسلمین استمرار می‌بخشند. دایرةالمعارف‌ها و مؤسسات خاورشناسی به عنوان مؤثرترین رسانه در عرصه علم و فرهنگ، میدانی وسیع برای تاخت و تاز صهیونیسم علیه اسلام و مسلمانان به شمار می‌آیند. نوشتار پیش رو تلاشی است برای تبیین این خیزش مرموز.

مربوط به قدس در دایرةالمعارف اسلامی را یک یهودی صهیونیست، مطابق آرای باطل یهود نگاشته است!<sup>۱</sup>

نیوکاکستون دایرةالمعارف است که در ادعاهای ضد اسلامی اش گوی سبقت را از دیگران ربوده، به حدی که توزیع آن در بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی ممنوع است. بریتانیکا که از معتبرترین و رایجترین دایرةالمعارف های دنیا به شمار می آید بی شباهت به نیوکاکستون نیست!

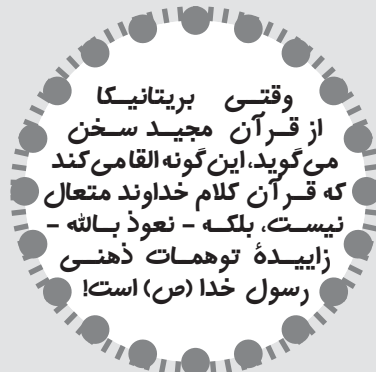
وقتی بریتانیکا از قرآن مجید سخن می گوید، این گونه القا می کند که قرآن کلام خداوند متعال نیست، بلکه - نعوذ بالله - زائیده توهمات ذهنی رسول خدا (ص) است!

در یکی دیگر از دایرةالمعارفها این ادعای گستاخانه درباره اسلام به چشم می خورد: «اسلام تلفیقی است از ادیان یهود و مسیح به اضافه سنت های بت پرستی اعراب! اسلام سنتها و مراسم قبیله ای را به این جهت حفظ کرده است، تا قبایل را به این دین جذب کند.» در دایرةالمعارف شوروی سابق نیز چنین ادعایی به چشم می خورد.<sup>۲</sup>

در کتاب انگلیسی «فرهنگ تاریخ جهان» ادعا می شود که گروه های جنایتکار مافیایی ریشه عربی دارند. فرهنگ آمریکایی وبستر که بیش تر به دایرةالمعارف شباهت دارد، عرب را این گونه وصف کرده است: حیوان صفت، قاتل، خونریز، زنباره، آواره، گدا، کودن و شورشی. سرپرستی انتشارات فرهنگ و بستر را یک آمریکایی مدافع صهیونیسم به نام ویلیام لئولیان بر عهده دارد!

### شرق از زبان اهریمن!

شرق به عنوان محل تولد و رویش و بالندگی اسلام، همواره مورد توجه و تفحص مؤسسه های خاورشناسی غرب بوده است؛ اما تاکنون کم تر پژوهشی از سوی این مؤسسات منتشر شده که در آن اسلام، پیامبر (ص) و قرآن کریم مورد اهانت واقع نشده باشند! رشته شرق شناسی به شکل امروزی به وسیله خاورشناسی یهودی به نام اگناس گلدزیهر تحول یافت. تلاش های گلدزیهر در واقع ادامه همان مسیری بود که یهودیان پیش از او برای احیای نقش اسرائیل در خاورمیانه به کار بسته بودند. او هنگام



مرگش وصیت کرد تا کتابخانه شخصی اش را به دانشگاه عربی بیت المقدس واگذار کنند. در کتاب «عقیده و شریعت در اسلام» اثر این خاورشناس یهودی، اصول و حقایق اسلام به گونه ای تحریف شده و وارونه معرفی شده است.

«سر ویلیام موبیر» خاورشناس اسکاتلندی، از دیگر افرادی است که به پاس خدمات بی شائبه به صهیونیسم و تعرض به اسلام و مسلمین، انستیتوی پژوهش های زبان و ادبیات شرق دانشگاه آدنبره به نام او نام گذاری شده است. موبیر در کتابی با عنوان «خلافت، پیدایش، انحطاط و سقوط آن» به گونه ای وقیحانه دین اسلام را مورد اهانت قرار می دهد. او در سال ۱۸۷۶ کتاب «زندگانی محمد (ص)» را تألیف کرد. موبیر در این کتاب ادعا می کند که تعالیم اسلام از ادیان پیشین گرفته شده است. این نویسنده همسو با سیاست های اسلام ستیزانه صهیونیسم، کینه توزی را به جایی می رساند که اسلام را سرسخت ترین دشمن تمدن، حقیقت و آزادی قلمداد می کند! کیمون از دیگر خاورشناسان یهودی است که ادعای ضد اسلامی اش شنیدنی است. او می گوید: به اعتقاد من ۲۰ درصد مسلمانان باید نابود شوند.

نام های لورنس براون، کارول بروکلمن و ساموئل مرگلیوت را به عنوان خاورشناسانی که علیه اسلام و مسلمین کتاب تألیف کرده اند، به خاطر بسپارید. در میان این سه تن، ساموئل مرگلیوت کینه توزی را تا آنجا پیش می برد که در سال ۱۹۲۵ در کتابی جسارت آمیز، فصاحت و بلاغت قرآن کریم را تحت تأثیر اشعار جاهلی قلمداد می کند.<sup>۳</sup>

تازه ترین اندیشه های شرق شناسانه صهیونیست ها در کتابی به نام محمد (ص) به رشته تحریر درآمده است. نویسنده این کتاب ماکسیم رودسون، یهودی فرانسوی است. صفحات این کتاب سراسر اهانت به اسلام و قرآن است. ماکسیم چند کتاب دیگر با نام جادوی اسلام، اسلام و سرمایه داری (۱۹۶۶)، مارکسیسم و جهان اسلام (۱۹۷۲) و اعراب (۱۹۷۹) نوشته است. کینه توزی این یهودی فرانسوی در گفت و گویش با مجله «الوطن العربی» شماره ۳۲۴ مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۸۳ به خوبی مشهود است.

پل کراوس، خاورشناس یهودی الاصلی است که به دوستی با اعراب تظاهر می کند و با آغوشی باز و رویی گشاده اسلام را مورد حمله قرار می دهد. این خاورشناس خوش رو! از طریق شاگردان و دوستان عرب فراوانی که دارد، در ذهن دانشجویان مسلمان راه یافته و افکار مسموم صهیونیستی را به نسل های جوان عرب تزریق می کند. مرکز پژوهش های خاورمیانه ای گوستاوفون گرونیوم در سال ۱۹۵۷ در دانشگاه کالیفرنیا لوس آنجلس تأسیس شد. این مرکز از مشهورترین و معتبرترین مراکز خاورشناسی زیر سیطره صهیونیست هاست که تحولات خاورمیانه از آغاز اسلام تا امروز و اوضاع مسلمانان را مورد بررسی قرار می دهد. لوزمن دانیل، خاورشناس و نویسنده کتاب اسلام و غرب اعتراف می کند که اغلب خاورشناسان با نوشته های خود قصد توهین به اسلام و مسلمین را دارند.<sup>۴</sup>

### پی نوشت ها

۱. نساء، ۴۶.
۲. سیدحسین نجفی یزدی، پروتکل دانشوران یهود، انتشارات ناظرین، ۱۳۸۲، چاپ اول، قم، ص ۹۰.
۳. ابوغنیمه زیاد، یهود در فرهنگ، تبلیغات و رسانه های غربی، ضیاء اندیشه، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، ص ۱۴۸.
۴. همان، ص ۱۴۹.
۵. همان، ص ۱۵۱.
۶. همان، ص ۱۵۴.